

نگاهی به فعالیت‌های دینی، سیاسی و تبلیغی حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی کاهانی
واعظی که منبرهای محبوب و معروفی دارد

مرد کتاب و منبر

سید مصطفی بهشتی از گشودن در خانه و اولین سلام تا استقبال کردن و کلامش، همه رنگ و بوی صمیمیت دارد. چنان سریع وارد رفاقت می‌شود که اختلاف سن چهل ساله مان به چشم نمی‌آید. نمی‌دانم در کدام هیئت و حسینیه یا شاید حرم مطهر پای منبرش نشسته‌ام، اما یقین دارم اولین بار نیست که چهره این روحانی شهر را می‌بینم. هم چهره‌اش به چشمم آشناست و هم صدایش در گوشم.

شاید خیلی از مردم این شهر مانند من حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل موسوی کاهانی را بشناسند. زیرا او در خیلی از هیئت‌ها و تکایا و حتی خانه‌های مشهد الرضا^(ع) روضه امام حسین^(ع) را خوانده است. او واعظ محبوبی از محله دانش‌آموز است که بیشترین مستمع را پای منبر خودش می‌کشد و صدایش در هشتمین دهه از حیاتش غراست.

مجمع خطبای خراسان رضوی در سال ۱۴۰۴ حاج آقا موسوی را به عنوان یکی از هشت روحانی برجسته قدیمی استان شایسته تقدیر دانست و این پاسخی بود به سال‌ها زحمات مردی که منبر ائمه اطهار^(ع) را با هیچ موقعیتی عوض نکرد.



دوست دارم مستمع، چیزی یاد بگیرد

حاج آقا بیش از پنجاه سال است منبری می‌رود؛ از تکیه کرمانی ها گرفته تا مهدیه مشهد، مکتب الرضا^(ع)، هیئت بنی فاطمه^(س)، بیت الصادق^(ع)، مسجد گوهرشاد در حرم مطهر و... حتی در شهرهای دیگر از تهران گرفته تا اهدان، اصفهان و حتی کشورهای سوریه و کویت و عراق. خلاصه که خدا به واسطه ارادت این روحانی به ائمه اطهار^(ع)، صدای گرم و گفتاری صمیمی به او داده است که هر کس پای روضه‌ها و سخنرانی‌هایش می‌نشیند، شیوه و گفتار او را می‌پسندد. به همین واسطه است که در دهه اول محرم و آخر صفر یا شب‌های ماه مبارک رمضان، هر جا منبری قبول می‌کند، از شب سوم به بعد در مجلسش جای برای نشستن نیست. یا اینکه آن چنان مخاطبانی دارد که از این مجلس به آن مجلس همراهش می‌شوند تا پای منبرش بنشینند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل موسوی کاهانی در وصف روضه‌هایش می‌گوید: البته من که نباید از خودم تعریف کنم، اما درباره شیوه سخنرانی‌ام می‌توانم صحبت کنم. در منبر رفتن لزوماً دنبال روضه خواندن و در آوردن اشک مردم نیست. دوست دارم کسی که وقت می‌گذارد و می‌آید پای روضه‌ها می‌نشیند، چهار تا مطلب در باب اخلاق، زهد، معرفت و... هم یاد بگیرد.

حاج آقا با خنده می‌گوید: «چیزی نمی‌گویم که مردم بگویند دروغ می‌گوید» و ادامه می‌دهد: در منبرم بدون منبع و سند حرفی نمی‌زنم. یعنی اگر قرار است روایتی یا حدیثی بیاورم، سند و منبعش را می‌آورم که پامنبری بدانند روی هوا حرف نمی‌زنم.

منبر برای شما واجب‌تر از درس است

منبر رفتن حاج سید ابوالفضل موسوی رانه تنها اقشار مختلف مردم، که بسیاری از روحانیان بنام مشهد و کشور می‌پسندند؛ در این سال‌ها چندین نفر از روحانیون و مراجع بنام مشهد، منبریوت و خانه خود را به او می‌سپارند؛ از دفتر آیت‌ا... صافی گلپایگانی گرفته تا بیت شیخ جواد تهرانی، دفتر آیت‌ا... عبدا... شیرازی، آیت‌ا... فاضل لنکرانی و... در این بین افرادی هم به او توصیه‌های ویژه‌ای کرده‌اند. اصلاً یکی از دلایل اصلی تمرکز روحانی خوش ذوق شهرمان بر منبر هم همین توصیه‌ها بوده است. او تعریف می‌کند: پس از انقلاب در جاهایی منبر رفتم که آدم‌های بزرگی پای منبرم می‌نشستند و توصیه می‌کردند این مسیر را ادامه دهیم. آیت‌ا... ابوالحسن شیرازی به من توصیه کردند برای شما منبر رفتن واجب‌تر از ادامه درس است، چون بیان تأثیرگذار است. آیت‌ا... کاظم مرعشی هم توصیه کردند به هیچ قیمتی از منبر فاصله نگیرم. بعد تر آیت‌ا... سید عزالدین زنجانی فرمودند: «کم آخوند منبری ای هست که در سن شما این صدا و جذبه را داشته باشد».

تحت تعقیب ساواک و منافقین، قبل و بعد از انقلاب

مادر یکی از روزهای ماه صفر مهمان خانه حاج آقا شده‌ایم؛ در حالی که به تازگی از سفر اربعین برگشته است. او را تا چند سال پیش در این ایام نمی‌شد در خانه دید. پشت سر هم برایش منبر چیده می‌شد. اما حالا بیشتر در جمع روحانیان جوان از تجربیاتش می‌گوید. لایه‌ای این حرف‌ها گریزی می‌زنیم به گذشته‌ها. حاج آقا موسوی که در جوانی، هم انقلابی بوده و هم با آدم‌های معروف انقلاب حشر و نشر داشته، سخنرانی‌های شهید هاشمی نژاد را بسیار دوست داشته و پای منبر ایشان می‌رفته است. او در ادامه درباره خاطرات قبل و بعد انقلاب می‌گوید: پیش از انقلاب تحت تعقیب ساواک بودم و پس از انقلاب هم منافقین تهدید می‌کردند. به لطف خانواده و دوستان چند باری از دست ساواک گریختم. پس از انقلاب هم در مشهد و چنان‌که در جلسات سیاسی و معرفتی بانمایندة‌های منافقین بحث علمی کرده بودم که چون در مباحثه مغلوب شده بودند، به دنبال حذفم بودند. یک بار در جاده مشهد به چنان‌که دنبال این بودند که من را بکشند، اما جان سالم به در بردم و از ادامه مبارزه دلسرد نشدم. پس از مدتی برای ادامه تحصیل همراه چند نفر از طلاب مشهدی، وسایل را جمع کردم و چند سالی به قم رفتم. درس را تا خارج اصول و خارج فقه ادامه دادم و در سال ۱۳۶۳ به مشهد برگشتم.

